



اوسنه

(برشی قلمیک از منعمیت)

نویسنده: محمد عامل معرابی

سرشناسه	: عامل محرابی، محمد، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: اوسنه (برشی کلاسیک از واقعیت) / نویسنده محمد عامل محرابی؛ ویراستار سپیده کوشش.
مشخصات نشر	: مشهد: آوای رعنا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص:؛ ۱۲×۴۱ س.م.
شابک	: 978-600-7725-23-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: ایران — آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
موضوع	: Social life and customs -- Iran
موضوع	: فرهنگ عامه — ایران
موضوع	: Folklore -- Iran
شناسه افزوده	: کوشش، سپیده، ۱۳۴۷ - ویراستار
رده بندی کنگره	: DSR ۶۳/ع۱۶۷ ۸۱۰۱۷
رده بندی دیویی	: ۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۱۰۵۷۱

انتشارات آریون (ما)

اوسنه (برشی کلاسیک از واقعیت)

محمد عامل محرابی

ویراستار: سپیده کوشش

طراحی جلد: امین جابری

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۲۵-۲۳-۸

چاپ خانه: سپنتا

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۹	جشن ها در آداب و رسوم مردم
۹	جشن تولد نوزاد و زایمان زن باردار
۱۵	دیوان فکاهیات روحانی
۱۷	جشن ختنه سوران
۱۹	عقیقه کردن بچه
۲۰	جشن عروسی
۲۶	جشن پاکشا
۲۷	جشن شب چه (شب یلدا)
۲۹	ولیمه و جشن سفره ج
۳۰	ولیمه خانه خریدن
۳۰	ولیمه خرید ماشین
۳۰	جشن فارغ التحصیلی
۳۱	مراسم فرا رسیدن ماه مبارک رمضان
۳۳	مراسم عید فطر
۳۴	عید قربان
۳۵	جشن عید غدیر
۳۵	جشن نیمه شعبان
۳۶	جشن نوروز
۳۶	مراسم چهارشنبه سوری و نوروز
۳۹	جشن سده
۴۰	رسوم رایج برای بخت گشایی دختران
۴۱	پی سوز زدن (دربارہ ی مردان)

۴۴	پیرایش عروس آینده
۴۵	نمونه ای از عقدنامه های زمان قدیم
۴۶	جهاز عروس در زمان قدیم
۴۸	مولودی
۵۰	نمایش عروسبزی فروش
۵۲	نمایش خاله و ورو
۵۹	آغاز درس در مکتب خانه
۶۵	چشم در ششم
۷۱	درباره آرایش بار در زمان قدیم
۷۳	سرپوش زنان ایرانی
۷۴	ساز و آواز
۷۵	مشعل عروس کیشان
۷۷	صیغه کردن برای نوجوانان
۸۰	نام گذاری فرزندان
۸۲	جام چهل کلید
۸۳	چهل تیغ
۸۳	مراسم دندونی
۸۴	اعتقادات و خرافات در بین مردم
۹۲	خالکوبی و خالگذاری
۹۳	نمایش های قاب حوضی
۹۵	جشن های ایران باستان
۱۰۴	بازی ها در ایام قدیم
۱۰۹	حرف های کوچه و بازار (زبان مخفی)
۱۶۸	منابع

از زمان که انسان پا به عرصه ی گیتی گذاشت، تا امروز که عصر انفجار اطلاعات است، همواره بشر کوشیده است تا امکانات را در اختیار خود درآورد و از آن بهره مند شود. لذا برای این امر محتاج به گفتگو و مطالعه در مورد آنچه در پیرامون خود می گذرد، است. بنابراین آسان ترین راه برای حصول به این نیت، ارتباط بیانی یا فن بیان است که خود مستلزم آشنایی و فهم خاص خود می باشد. کیفیت، شیوایی و اثربخشی کلمات و جملات یکی از این سازگارهاست که در طول زندگی بشر بوده و سینه به سینه انتقال داده شده و به دست آیندگان سپرده. برای آیندگان از نظر نویسندگان مورد توجه بوده و استفاده ی ابزاری از کتاب حاضر به نوعی جستاری است به تاریخ گذشته و همچنین تاریخ و ادبیات این مرز و بوم که خود دارای کمیت، پند و نصیحت های بسیاری بوده که از گذشتگان به ما رسیده است و فرایند آن تجربه اندوزی و به نوعی یادآوری خاطرات و تجربیات است. در ایام قدیم استفاده از کلمات و جملات متناسب با همان دوران یا در زمان مورد اتفاق افتاده بود. در این جا لازم می دانم مرور به گذشته ی

ادبی سرزمین خودمان کنیم که ما را خواه ناخواه با تاریخ گذشته آمیخته می نماید. در گذشته گاهی اتفاقات طنز گونه ای از لحاظ ادبی یا تاریخی وجود داشته است، اما هیچ طنزی خارج از فرهنگ و اجتماع شکل نمی گیرد، طنز وابسته به اجتماع است، طنز آینه ی تاریخ و احشاء گذشته ی ما است به طوری که سرخوشی و آرامش گذشتگان را نشان می دهد که چگونه با مشکلات و گرفتاری ها به مبارزه برخاسته و کنار می آمدند.

تصویر ذهنی اغلب ما از گذشته ی ایرانیان، تجسم خانه های پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها است. خانه هایی که دارای حیاط بزرگ بودند. حال کمی در این رابطه نوه سیح داده بعد وارد مقوله ی اصلی کتاب می شویم.

در قدیم عموماً خانه ها دارای مراکز مهمی زیاد با چنین ترکیب ساختمانی بود. ورودی ساختمان از درب اصلی دارای حریم خاص محرمیت با دالان ورودی بود و بعد از آن وارد حیاط منزل می شدیم. معمولاً درب های چوبی دارای کلون چوبی بود که برای باز کردن درب به کار می رفت. بیرون درب، فلزی بر روی فلز دیگر نصب بود که افراد با ایجاد ضرب آهنگ توسط آن ورود خود را اطلاع می دادند که به قول امروزی ها همان زنگ خانه بود. بعد از ورود به داخل دالان، انتهای راهرو به وسیله پرده پوشانده شده بود که افراد با صدای بلند و با کلماتی مانند یا الله، سلام علیکم یا بردن نام صاحب خانه اعلام ورود می کردند. این باعث مطلع شدن دیگر افراد منزل می شد.

همیشه وسط حیاط حوضی بزرگ و اطراف آن گلدان های شمعدانی می گذاشتند و دور تا دور حیاط نیز تا دو طبقه خانه ساخته می شد که همه ی آن ها عموماً به یکدیگر راه داشتند و به اندرونی و بیرونی معروف بود. تمام پنجره ها از چوب بودند که با شیشه های رنگی آذین می شدند. درب ها به صورت عمودی یا افقی باز می شد. درختان کهنسال از قبیل توت، گردو، به، انگور و... نیز در صحن حیاط وجود داشت. کف پوش حیاط از آجرهای ثلاثی یا بزرگ بود. پشت بام خانه ها هم با کاه گل پوشیده می شد. ورودی به پشت بام بوسیله ی راه پله از داخل اندرونی یکی از خانه ها تعبیه می شد که به آن ملاقی یا درب تبه می گفتند. عمده ی استفاده ی آن در تابستان برای خواب شب ها بر روی پشت بام به آن هم مراسم خاص خودش را داشت. از زدن پشه بند تا پرن کردن زیرانداز و لحاف و تشک. به این صورت که هنگام غروب بانوان خانه نعلبای پشت بام را آب پاشی می کردند تا کمی از گرمای کاه گل ها بکاهد. شب زمین خنک تر شود. عموماً مستراح یا توالت خارج از خانه و در گوشه ای از حیاط بود که استفاده از آن در زمستان بسیار مشکل و سخت بود. در این منازل معمولاً چندین خانوار که با هم نسبت داشتند یا فامیل نزدیک بودند از جمله فرزندان، عمو، عمه، خاله، دایی و... که گاهی به پنج خانوار هم می رسیدند؛ زندگی می کردند.

آشپزخانه یا همان مطبخ نیز در گوشه حیاط بود که به طور مشترک از آن استفاده می شد. داخل مطبخ از چند جا که از آجر و گل درست شده

بود؛ برای گذاشتن دیگ ها و قابلمه های مسی استفاده می کردند. یک جای مخصوص که با چوب ساخته شده بود، نقش کابینت را برای گذاشتن ظروف بازی می کرد. در گوشه ای از آشپزخانه نیز چوب یا پهن سفت شده ی گاو که دارای انرژی گرمایشی موقع آتش زدن بود استفاده می شد. در قسمتی دیگر از مطبخ کوزه های سفالی یا مسی بود که داخل ظروف مسی، ترشی، حبوبات، برنج و شیرهای انواع میوه ها و در کوزه های سفالی روغن حیوانی، دنبه و... نگهداری می شد. در بعضی از این ظرف ها هم گوشت قرمه قرار می دادند.

معمولاً دیواره های کاه گلی مطبخ خانه ها بر اثر افروختن آتش و پختن غذا سیاه و دودی می شدند. دلو یا سطل آب ظرفی مسی یا لاستیکی بود که از لاستیک فرسوده ی ماشین درست می شد و از آن برای آوردن آب از حوض یا شیر به داخل مطبخ استفاده می کردند. شستن ظروف و لباس در کنار حوض انجام می شد. برای شستشو از مقداری مایع صابون و خاکستر ذغال که با تکه ای از کرم برنج یا متغال بر روی ظروف شیشه و مسی کشیده می شد، استفاده می کردند. عده ای هم از لیف درخت خرما که خشک شده بود، برای ساییدن ظرف و تمییز کردن آن استفاده می کردند.

در این خانه های بزرگ اغلب حمام وجود نداشت زیرا استقرار حمام و گرم کردن آن توسط هیزم مستلزم زحمات زیادی بود که از لحاظ مادی و گرفتن وقت مقرون به صرفه نبود. حمام های عمومی در هر کوچه و بزرگ به اندازه ای بود که جوابگوی احتیاجات مردم باشد. در

فصل تابستان بچه ها علاوه بر شنا در حوض داخل حیاط، توسط مادر در آن شستشو می شدند. مردها هم زمانی که خانوم ها در منزل نبودند، در فصل گرما از آب حوض برای شستشو و غسل استفاده می کردند. تمیز کردن حیاط و کوچه جلوی درب حیاط بر عهده ی خانوم های منزل بود که دسته جمعی و یا به صورت فردی به جارو و آب پاشی آن می پرداختند. دورهمی ها شب هنگام به خصوص شب های جمعه تابستان با انداختن فرش در حیاط و جدا شدن قسمت زنانه و مردانه انجام می گرفت. در فصل زمستان این جمع در اتاق های بزرگ یا پذیرایی خانه گرد هم می آمدند. مردان در این جمع به گفتگو درباره کارهای سررمه می پرداختند و زنان مشغول غیبت و صحبت از مسایل خانه می شدند. خانه ها با چای و تابستان ها با هندوانه از بقیه پذیرایی می کردند. این دورهمی ها تا پاسی از شب ادامه داشت. اکنون که کمی با منازل و آداب قدیم آن آشنا شدیم به جشن ها و سوگواری های مرسوم آن زمان می پردازیم.

جشن ها در آداب و رسوم مردم

جشن تولد نوزاد و زایمان (ن باردار)

در زمان قدیم به مجرد آنکه زنی باردار می شد، مراقبت های ریث از او توسط اطرافیان به خصوص با دستورات بزرگان و خان باجی ها انجام می شد که اغلب در مورد تغذیه بود و به مسأله بهداشت و